

تأثیر حقوق شهروندی در ارتقای زندگی شهری و مشارکت مردم

سحر برازمند،^{۱*} عباس تقدسی نژاد^۲

چکیده

امروزه موضوع مدیریت شهری در دنیا تحول اساسی یافته است. برای آنکه شهرها بتوانند رفاه و آسایش شهروندان خود را تأمین کنند، باید تحت مدیریت قرار بگیرند. در این راستا قوانین و مقررات شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی ارتباط بین مدیریت شهری با حقوق شهروندی محسوب می‌شود. مقاله حاضر به دنبال توجه به حقوق شهروندی در گرو توجه به مسائل فرهنگی و علل عدم مشارکت مردم در اداره امور شهرها، از طریق مرور مجدد بر طرح‌ها و مطالعات پیشین صورت گرفته است. روش انجام کار به صورت مطالعات کتابخانه‌ای مطالعه و بررسی اسناد طرح‌های اجرا شده و مروری بر مقالاتی در این خصوص است. براساس این پژوهش، حقوق شهری و شهروندی در صورتی بسیار کارآمد و مؤثر است که با اصل بهره‌مندی حقوق شهروندی انطباق داشته باشد. حقوق شهروندی، مجموعه وظایفی است که شهروندان در قبال یکدیگر، دولت و شهر دارند و شامل حقوقی است که دولت و مدیران شهری ملزم به رعایت آن هستند. برطبق نتایج این پژوهش، چنین رویکردی همچنان در مجموعه ضوابط و مقررات عمومی مدیریت شهری مانند مشارکت شهروندان، کمتر به آن پرداخته شده است. با آنکه موضوع مشارکت در مدیریت شهری، نه تنها موجب افزایش درک شهروندان از نیازهایشان می‌شود بلکه به ایجاد یک جامعه بهتر کمک می‌کند، نتایج نشان می‌دهد که مشارکت اشخاص حقوقی (انجمن‌ها، اصناف و...) و حقیقی (شهروندان) در ایران با موانعی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اداری زیادی روبه‌رو هستند. براساس این پژوهش موانع سیاسی- قانونی، بافت شهری و چالش‌های مدیریت کلان‌شهری عوامل اصلی عدم مشارکت هستند. در حال حاضر با توجه به افزایش سطح تحصیلات شهروندان، افزایش نفوذ رسانه‌ها و... در صورتی که بسترهای مشارکت برای همه اقشار جامعه فراهم شود، می‌توان شاهد حضور فعال ساکنان شهر در مدیریت شهری بود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندی، فرهنگ شهرنشینی.

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه جنگلداری دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، تهران، ایران، نویسنده مسئول، barazmand.sahar@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم انسانی مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / taghaddosi1400@gmail.com

۱. مقدمه

در دنیای معاصر، مدیریت امور شهری، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که با افزایش تصاعدی جمعیت و گسترش شتابان کالبدی، تقاضای فزاینده خدمات نوین شهری و منابع مالی و درآمدی ناپایدار و غیرقابل اتکا و بسیاری مشکلات دیگر مواجه‌اند، وظیفه‌ای بسیار دشوار محسوب می‌شود. شهرها هسته اصلی اتفاقات، انواع تعاملات و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که به‌عنوان یک منبع مهم توسعه مطرح است. مدیریت شهری نقش بسیار مهمی در توسعه و بهبود سکونتگاه‌های شهری دارد و می‌تواند در مسیر توسعه پایدار و قانونمند مورد توجه قرار گیرد (گزارش دبیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۱۳۷۳: ۸۵). مدیران شهری ازسویی با توسعه بی‌رویه شهری و بر اثر مهاجرت‌های جدید به شهرها رودررو هستند و ازسوی دیگر، دست‌به‌گریبان مسائل و مشکلات حادی همچون بیکاری، فقر، بدمسکن، کمبود زیرساخت‌های شهری و بحران‌های زیست‌محیطی هستند. در کشور ما نیز روند شهرنشینی و مشکلات مدیریت شهری، کم‌وبیش با کشورهای جهان سوم مشابهت دارد. در یک‌سو توسعه بی‌رویه شهرها و روند شتابنده شهرنشینی و مشکلات پیچیده و فزاینده شهری قرار دارد و در سوی دیگر محدودیت‌های حقوقی و قانونی، نیروی انسانی متخصص، منابع مالی ناچیز و تأسیسات و تجهیزات شهری فرسوده و ناکافی، پیش روی او قرار گرفته است. روند رو به رشد شهرنشینی در ایران و هم‌نشینی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر و تبدیل شدن ارتباطات روستایی به روابط شهری، ضرورت بازنگری تعاملات را با نهادهای شهرنشینی در جامعه شهری با معیارهای قانونی به‌روز و با ضمانت اجرایی قوی بیان می‌کند. در یک جامعه، همواره خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارد که نتیجه تأثیر این آن‌ها بر یکدیگر، فرهنگ عامه را به وجود می‌آورد. هر قدر که خرده‌فرهنگ‌های مثبت جامعه‌ای بیشتر باشد، آن جامعه از غنای فرهنگی و ظرفیت مشارکت‌پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین مجموعه قوانینی که موجب تبدیل شدن انسان‌های شهرنشین به شهروند، توسعه پایدار، پیدایش جامعه مدنی و انسان متمدن و مدرن، بالا بردن کیفیت زندگی شهری و ایمن‌سازی شهر از مخاطرات

می‌شود، نقش مهمی را ایفا می‌کند (صیدبیگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰۴).

مدیریت، روند دستیابی به اهدافی است که برای یک سازمان در نظر گرفته می‌شود و شامل وظایفی است که بر عهده مدیریت سازمان گذارده می‌شود. مدیریت به معنای سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، ایجاد انگیزش و نظارت بر عملکردهاست. بنابراین اگر شهر به‌عنوان یک سازمان در نظر گرفته شود، ضروری است که جهت اداره امور شهری از تخصصی استفاده گردد که مدیریت شهری نام دارد. امروزه مدیریت شهری به‌عنوان شاخه‌ای مهم از علم مدیریت و برنامه‌ریزی شهری درآمده که ملزم است برای امورات شهری برنامه‌ریزی‌هایی انجام دهد، فعالیت‌های شهری را سازمان‌دهی کند و در نهایت بر فعالیت‌ها نظارت داشته باشد و گاه برای انجام بهینه عملکردها، انگیزشی ایجاد نماید (سعیدی‌نیا، ۱۳۹۲). انجام چنین مواردی، به آگاهی از اصول مدیریت، انگیزش، ارتباطات، هدایت و رهبری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل بازمی‌گردد. مدیریت شهری که در رأس آن شهرداری‌ها قرار دارند، در سلسله مراحل تحول و توسعه شهری، نه تنها در ابعاد عمرانی، اقتصادی و فضای سبز آن جایگاه مهمی دارند، بلکه باید با تغییر و تحولات سریع فرهنگی، اجتماعی و گسترش جمعیت شهرنشینی جهت پاسخ‌گویی به مطالبات روزافزون تدابیر لازم را نیز فراهم آورند (شیعه، ۱۳۸۲: ۶۲).

مهم‌ترین اهداف مدیریت شهری، ارتقای شرایط کار و زندگی اقشار مختلف اجتماعی، اقتصادی، حفاظت از حقوق شهروندی، تشویق به توسعه اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از آن است. در این‌باره مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن طرح و برنامه برای وضع موجود شهر و غلبه بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین نموده و براساس آن‌ها، به ترسیم آینده‌ای ایدئال بر مبنای واقعیت‌ها بپردازد.

از وظایف مدیریت شهری، شناخت و تقویت نقاط قوت فرهنگ آن جامعه و سعی بر گسترش آن است. از دیگر وظایف مدیران، سعی در شناخت و جایگزین نقاط ضعف فرهنگی آن جامعه از طریق ترویج فرهنگ‌های سازنده است. مدیران شهری باید با ایجاد تسهیلات اجتماعی برای تمام اقشار جامعه شهری، فرصت‌های مناسب را به حداکثر رسانده

و محیط شهری را در جهت عرصه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و انسانی ارتقا بخشند. یکی از مسائل مهمی که باید تحلیل و بررسی شود، ضرورت مباشرت و تأثیرگذاری مدیریت شهری در امورات فرهنگی و اجتماعی و چگونگی اجرایی شدن آنهاست. شهروندان ساکن شهرها نه تنها از مدیریت شهری و شهرداری‌ها رسیدگی به وضعیت عمرانی، خدمات شهری و فضای سبز را انتظار دارند، بلکه خواستار سامان‌دهی به امور اجتماعی، فرهنگی، امنیت اجتماعی و روانی، فراهم کردن زمینه روابط شهروندی و حیات اجتماعی نیز هستند.

۲. مفهوم شهر

برای شهر تعاریف مختلفی از دیدگاه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی از ابتدای تشکیل آن تاکنون مطرح شده که همواره مورد چالش و بحث برانگیز بوده است. ساده‌ترین آن، شهر را سکونتگاه و محل فعالیت انسان‌هایی می‌داند که برای زندگی بهتر و رفاه بیشتر، دور هم جمع شده و ساختارها و سازمان‌هایی تشکیل داده‌اند که تأمین‌کننده نیازهای فردی و اجتماعی آنهاست و مانند بخشی از سلسله‌مراتب سیستم فضایی و تقسیمات جغرافیایی و سیاسی هر کشور، براساس معیارهای مختلفی مانند نوع حکومت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی، مدیریت و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و... شکل می‌گیرد (ژند، ۱۳۹۶). اگرچه تعریف جامعی از شهر که بتواند شامل همه شهرهای جهان باشد، مشکل است؛ چراکه شهرها به سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی یکسان وابسته نیستند و نکات مشترکی بین آنها یکسان نیست تا مبنایی برای تعریف تمام شهرها باشد. از این رو در این قسمت می‌توان به پاره‌ای از تعریف شهر در دیدگاه‌های مختلف اشاره نمود:

۱. شهر در نگرش جغرافیایی نتیجه ارتباطی است که انسان با طبیعت به وجود آورده، به‌شیوه‌ای که شهر را می‌توان محیطی که ساخته دست انسان است تعریف کرد. انسان برای ارضای نیازهای خود در بستری از دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارد. این دگرگونی‌ها از درون یک فرایند تخریب فضاهای پیشین و ساختن فضاهای جدید انجام

می‌گیرد که این امر یک فرایند مداوم از تخریب‌ها و ساختن‌ها را به وجود می‌آورد (فکوهی، ۱۳۸۳).

۲. شهر از دیدگاه جامعه‌شناسی و دورکیم، محل گسترش و توسعه اطلاعات براساس اخلاق‌مداری است. براساس این تعریف، خدمات اجتماعی شهروندان از قبیل حقوق شهروندی و مسئولیت‌های آنان، امنیت و تنظیم روابط متقابل مانند مشارکت و همکاری مبتنی بر اخلاق است. همچنین جامعه‌شناسان، شهر را محل بروز ویژگی‌های مثبت جامعه و تمرکز جمعیت با تأکید بر امکان تأمین نیازهای اجتماعی و روابط اخلاقی می‌دانند (لطیفی و منجزی، ۱۳۹۶).

مکتب شیکاگو پایه‌گذار مکتبی است که به مؤلفه شهری اعتقادی ندارند و شهر را مجموعه‌ای از عناصر مادی مانند کالبد و فیزیک شهر و غیرکالبدی همانند عوامل مصونیت که شامل رفتارها، هنجارها، فرهنگ، آداب و رسوم، آیین‌ها، باورها و... می‌دانند. از دیدگاه دانشمندان این مکتب، از قبیل ارتست برگس^۱، رابرت پارک^۲ و رودریک مک کنزی^۳ شهر یک موجود زنده به لحاظ اجتماعی (تغییرات اجتماعی سریع متناسب با مکان، زمان و محل سکونت انسان‌های متمدن) است (ژند، ۱۳۹۶).

۳. شهر از دیدگاه علمی و فلسفی، مقوله‌ای علمی است؛ زیرا ابعاد کالبدی و عینی آن در همه زمینه‌های فضایی - کالبدی و اقتصادی - اجتماعی و... معیارهای علمی قابل سنجش است. از طرف دیگر، شهر پدیده‌ای زمانی و مکانی است که در منطقه خاص ایجاد شده و تکامل یافته و با گذشت زمان رشد یافته است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۵).

۴. از نظر جامعه‌شناسی، شهر یک واقعیت اجتماعی است که حاصل مجموعه روابط میان بازیگران اجتماعی است که روابط شهری از این روابط تبعیت می‌کند و زندگی اجتماعی، جوامعی است که براساس روابط اجتماعی و انسانی شکل گرفته و شکوفا می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۴).

1. Ernest Burgess
2. Robert E. Park
3. Roderick Mackenzie

۵. از نظر اجتماعی، شهرها مکان‌های مناسبی برای اعتلای ارزش‌های فرهنگی، پاسداری از هویت‌های محلی و ملی، شکل‌گیری نهادهای جمعی، تحکیم و گسترش روابط و مناسبات اجتماعی هستند (فرجامی، ۱۳۸۳).

براساس ماده ۴ «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران»، شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر اشتغال، بافت ساختمانی و سایر عوامل، دارای سیمایی با خصوصیات خاص خود بوده، به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل تجارت، کسب، صنعت، خدمات، کشاورزی و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و مرکز مبادلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حوزه پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد.

۳. اهمیت شهرها

به دلیل اهمیت و جایگاه شهر در زندگی اجتماعی بشر، همواره شهر، شهرنشینی و مدیریت آن از مشغله‌های فکری اندیشمندان در طول تاریخ بوده است و همواره متفکران بزرگ اجتماعی از ابن‌خلدون تا افلاطون و هاروی^۱، رابرت پارک^۲ و... به مطالعه درباره مسائل شهری پرداخته‌اند. اگرچه شهرنشینی پدیده تازه‌ای نیست، فرایند شهرنشینی در دوره معاصر از ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردار گردیده که اساساً آن را متفاوت از شهرهای کلاسیک و شهرنشینی سنتی می‌دانند. شهر و شهرنشینی به حدی دارای اهمیت است که برخی از جامعه‌شناسان، پیدایش مکاتبی نظیر مکتب شیکاگو و حتی علم جامعه‌شناسی را محصول تحولات شهرنشینی می‌دانند و برخی دیگر شهرنشینی را تنها راه توسعه می‌دانند. کسانی مانند مایرون وینر^۳ در کتاب *نوسازی جامعه*، شهرنشینی و توسعه را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته است (حیبی، ۱۳۸۴: ۲۱۲). همچنان‌که زیمل^۴ معتقد است شهر مکانی

1. David Harvey
2. Robert E. Park
3. Myron Weiner
4. Georg Simmel

برای خلق فرصت‌ها و نوآوری‌های بسیار است؛ هرچند شامل محدودیت‌هایی نیز می‌شود. در شهر، به دلیل فرصت کسب، کار و درآمد، احساس ایمنی و دسترسی بیشتر و بهتر به آموزش و بهداشت موجب شده که شاخص‌های توسعه از جمله توسعه انسانی بالاتر و پایدارتر باشد.

شهرنشینی در ایران مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، از دههٔ چهل آغاز و تا امروز با سرعت بسیار زیادی گسترش یافته است. دلیل این گرایش افراطی به شهرنشینی در ایران، این است که شهرنشینی مساوی با برخورداری از امکانات و فرصت‌های بهتر و بیشتر برای زندگی است. دانشگاه‌ها، صنایع، ارتباطات نوین، بهداشت و... همگی شهری هستند و یا اصولاً از مادری به نام شهر متولد شده‌اند.

۴. شهروندی

شهروندی از مشتقات شهر و بعد پیشرفتهٔ شهرنشینی است. برخی از کارشناسان بر این باورند هنگامی که شهرنشینان به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و به مسئولیت‌های خود در قبال اجتماع و شهر عمل نمایند، به «شهروند» ارتقا می‌یابند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین شهروندی از مفاهیم مهم در شناخت وضعیت انسان امروزی و توصیف جایگاه اوست که می‌توان به وضوح نشان داد که هویت شهروندی، انسان معاصر را از انسان در قرون گذشته متمایز کرده است. در واقع شهروندی شامل مجموعه‌ای از وظایف، حقوق و تعهدات است که براساس عدالت، برابری و استقلال است (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱۵). در زندگی متمدن امروزی، غالباً شهروندان با سلیق و انگیزه‌های متفاوت، در جوامع شهری به فعالیت می‌پردازند؛ گروهی برای کسب‌وکار، عده‌ای برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و گروهی دیگر برای پر کردن اوقات فراغت و... بنابراین لازمهٔ زندگی اجتماعی، وجود روابط اخلاقی و حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است و ضروری است که این روابط منظم و باقاعده شود؛ در غیر این صورت اجحاف و تزویر، زور در جامعه حاکم شده که منجر به هرج‌ومرج و آشفتگی خواهد شد. لذا نهادهای عمومی و دولت‌ها با تدوین تعیین قواعد و مقررات اجتماعی، سیاست‌های ویژه‌ای را در جهت تنظیم این روابط

در پیش گرفته‌اند (شبعه، ۱۳۸۲: ۶۲). مارشال که از پیشگامان معاصر نظریه شهروندی است، در کتاب *طبقه، شهروندی و توسعه اجتماعی* (شهروندی را در مسیر تاریخی و تکاملی به سه بُعد اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم می‌کند (Marshall, 1998: 67)). منزلت شهروندی با قانون اعطا می‌شود و اشخاص به اعتبار جایگاه اجتماعی یا سیاسی، دارای حقوقی هستند. بر این اساس افراد به دلیل اینکه در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، در زمینه‌های اقتصادی، تعهدات سیاسی یا امور فرهنگی دارای حقوق و وظایفی نسبت به هم هستند. در واقع مفهوم شهروندی نشان‌دهنده نقطه اتصال بین جغرافیای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و شهروندی بیش از اینکه نظریه باشد، مفهومی است که به مشارکت در جامعه رسمیت می‌دهد. در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است که از یک طرف در برابر دولت وظایفی به عهده دارد و از طرف دیگر، از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار است. چگونگی رابطه شهروند و دولت را قوانین مدنی و قانون اساسی تعیین می‌کند. اساساً شهروندان تنها فرمان‌بردار حکومت نیستند، بلکه از حقوق طبیعی نیز برخوردارند که دولت ملزم به رعایت این حقوق و حمایت از آنهاست (کامیار، ۱۴۰۱). جذابیت شهروندی، به دلیل منافی که به فرد می‌رسد نیست. شهروندی یک ایده اجتماعی و دوجانبه است و حقوق شهروندی مبنایی برای اداره امور انسان است که زندگی آنها از قبل توسط جنسیت، مذهب، طبقه و نژاد تعیین می‌شود. شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی انسان‌ها را ارضا نماید (صرافانی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

۵. حقوق شهری و شهروندی

حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق عمومی است که روابط شهروندان و مدیران شهری را تنظیم می‌کند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در تعریفی دیگر، مجموعه قوانین و مقرراتی است که ارتباط شهروندان را با ادارات و نهادهای شهر تنظیم می‌کند و حقوق و وظایف ناظر بر شهرداری‌ها و شوراهای و سایر ادارات شهری را بیان می‌کند (کامیار، ۱۴۰۱: ۲۲). در تعریفی دیگر، حقوق شهری عبارت است از مجموعه قوانین و مقرراتی که بر اجرای انطباق شهری و محلی جهت تأمین نیازهای منطقه‌ای از طریق ادارات و نهادهای عمومی نظارت

می‌کند (پایگاه اطلاع‌رسانی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۸۸). در واقع موضوع اساسی حقوق شهری، بیان ارتباط شهروندان با شهرداری‌ها و ادارات، بیان وظایف و حقوق آنان در برابر یکدیگر و نحوه اداره امورات شهری و کیفیت نظارت شهرداری‌ها بر فعالیت‌های شهری است. به موازات حقوق شهری، حقوق شهروندی وجود دارد. در واقع حقوق شهروندی مجموعه‌ای است از مسئولیت‌ها و تکالیف شهروندان در مقابل یکدیگر، در برابر شهر، حکومت و مملکت. همچنین مجموعه حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن‌ها بر عهده دولت یا به طور کلی قوای حاکم و مدیران شهری (شهرداری) است (سایت حقوق‌دانان، ۱۳۸۸). برای تحقق حقوق شهروندی در جامعه باید عوامل مذهبی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا هر کدام از این عوامل در تحقق حقوق شهروندان تأثیر زیادی دارند. در واقع اگر به زمینه‌های تاریخی، مذهبی و یا ساختار سیاسی قدرت یعنی فردی یا دموکراتیک بودن اهمیت داده نشود، نمی‌توان انتظار داشت که حقوق شهروندی در جامعه مورد توجه قرار گیرد. در جوامع توسعه‌یافته، عوامل و زمینه‌های مختلف (رشد اقتصادی، اصلاح ساختار سیاسی، مسائل جمعیت و زیست‌محیطی، افزایش سطح رفاه و...) برای توسعه‌یافتگی هم‌جهت و همسو شده‌اند، اما در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال گذر، هم‌جهتی زمینه‌های پیشرفت کم‌رنگ بوده؛ شاید هم بخشی از زمینه‌های توسعه با روند جهانی شدن در حال آماده شدن است. اما بخش دیگر از زمینه‌های توسعه مانند مشارکت و حقوق شهروندی در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روند کندی را طی می‌کند. مجموعه این عوامل بر پیشرفت و توسعه‌یافتگی جامعه تأثیر زیادی دارد.

حقوق شهروندی دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله:

۱. جهانی بودن آن است؛ هر فرد از هر کجا، هر جنس، نژاد، زبان و دین که باشد، مستحق آن است و کسی نمی‌تواند این حق را از او سلب کند.
۲. این حق غیرقابل انتقال و غیرانفکاک است؛ زیرا بدون آن را فرد را نمی‌توان بشر نامید.
۳. این حق هدیه الهی است و هیچ مقامی مانند حکومت یا مقامات مذهبی این حق را اعطا نمی‌کند.

۴. عناصر آن لازم و ملزوم همدیگر، متمم و مکمل سایرین است.

۵. حقوق فطری و ذاتی است و جزو صفات شخصیتی انسان است و وابسته به هیچ قراردادی نیست.

۶. تقسیم‌ناپذیر است و نمی‌توان به دلیل عدم ضرورت یا کم‌اهمیت بودن، آن را از کسی سلب کرد.

۶. مدیریت شهری

در سال ۱۹۷۶م، برای اولین بار، مفهوم مدیریت شهری در کنار مفاهیم دیگری از قبیل پروژه شهر سالم و توسعه پایدار شهری مورد توجه و در دستور کار برنامه‌های توسعه سازمان ملل با عنوان مدیریت شهری قرار گرفت. این نوع مدیریت شهری حرکت از شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیرمتمرکز در قالب مدیریت‌های محلی تر با هدف توسعه امورات شهری توسط سازمان‌های محلی است (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۷). مهم‌ترین اهداف مدیریت شهری، حفاظت از حقوق شهروندان، ارتقای شرایط زندگی و کار جمعیت ساکن در گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی و اقتصادی با توجه به افراد و گروه‌های کم‌درآمد، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی شهری است (شیعه، ۱۳۸۲: ۶۲). مدیریت به معنای سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، ایجاد انگیزش و نظارت است. همچنین مجموعه وظایفی است که بر عهده مدیر جهت دستیابی به اهداف یک سازمان گذاشته می‌شود. در واقع منظور از مدیریت شهری بر عهده گرفتن مدیریت به عنوان نقش فعال در توسعه و هماهنگ‌سازی منابع جهت دستیابی به اهداف توسعه شهری است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۷۷؛ ضرابی و جمالی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۲۷). از جمله وظایف مدیریت شهری فراهم نمودن زیرساخت‌های اساسی جهت عملکرد بهتر شهرها، سامان‌دهی فعالیت‌های تأثیرگذار بخش خصوصی بر سلامتی، امنیت و رفاه اجتماعی شهروندان، آماده‌سازی خدمات لازم برای توسعه و گسترش منابع انسانی، بهبود استانداردهای زندگی شهری و بهبود بهره‌وری و همچنین فراهم نمودن تسهیلات و خدمات لازم جهت پشتیبانی از فعالیت‌های مولد و کارآمد مؤسسه‌های خصوصی در نواحی شهری است. در نهایت

مدیریت شهری، ابزاری است که توسط آن حکومت قادر است توسعه مشارکتی و پایداری را به وجود آورد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۴).

۷. برنامه‌ریزی استراتژیک مدیریت شهری

وظایف و برنامه استراتژیک مدیریت شهری صرفاً محدود به مسائلی از قبیل برنامه‌ریزی، انجام پروژه‌های عمرانی، خدمات‌رسانی و مدیریت فرهنگ محلی نمی‌شود؛ بلکه جهت دادن به مجموعه فعالیت‌های شهری در جهت دستیابی به توسعه پایدار، از مهم‌ترین وظایف مدیریت شهری است. یک مدیر شهری بایستی توانایی شناخت نقاط قوت و ضعف خود را در دنیای رقابتی داشته باشد و درصدد تقویت نقاط قوت و مزایای رقابتی آن برآید. جامعه‌شناسان بر این باورند که جامعه آینده، یک جامعه شهرنشین خواهد بود؛ بنابراین برنامه مدیریتی باید در جهتی باشد که شهرها به جای آنکه محیطی برای تراکم کارگران بیکار با مشکلات زیاد، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی یا بی‌ثمر جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی باشد، باید تبدیل به مراکز رشد اقتصادی و اجتماعی ملی شود. این مراکز باید فرصت‌های ارزشمندی جهت توسعه رفاه را برای جمعیت تمام کشور فراهم کند (جهانشاهی و وارثی، ۱۴۰۰: ۵۵). ناکارآمدی روش‌های سنتی و پیچیدگی سیستم‌های شهری موجب شده که بسیاری از شهرهای درحال توسعه، بدون برنامه مدیریتی صحیح و همه‌جانبه، در شرایط آشفته‌ای قرار گیرند و با گسترش بی‌رویه فقر و آینده‌ای مجهول مواجه شوند. بنابراین برخورد با این چالش‌های نوین، مستلزم اتخاذ تصمیم و برنامه مدیریتی راهبردی به‌صورت آگاهانه برای آینده جوامع شهری است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷). درواقع فرض اصلی دیدگاه برنامه‌ریزی استراتژیک، دستیابی به توسعه پایدار از طریق مشارکت مدنی، عمومی و خصوصی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

۸. علل عدم توسعه فرهنگ مشارکت و شهرنشینی در ایران

امروزه شهر و فرایند شهرنشینی به‌صورت زیست غالب درآمد و احتمالاً در آینده، شهرنشینی به‌عنوان تنها شکل زندگی به سکونتگاه اجتماعی انسان‌ها تبدیل می‌شود (کاظمیان

و میرعابدینی، ۱۳۹۰: ۲۷). شهر و شهرنشینی از مهم‌ترین مباحث توسعه ایران مدرن است. صنعتی شدن جوامع شهری و رشد شهرنشینی بدون توجه به توسعه فرهنگ شهرنشینی، مشکلات زیادی را در شهرها به وجود می‌آورد؛ زیرا فرهنگ جوامع شهری به سرعت از ارزش‌های اجتماعی و آداب و سنن خود دور شدند و تمایل به زندگی امروزی و استفاده از ارزش‌های مادی و رفاه بیشتر پیدا نمودند. از این رو هر شهری در کنار ساخت کالدهای شهری و فضاها، نیازمند برقراری ارتباط معقول بین محیط فیزیکی و طبیعی با وضع فرهنگی-اجتماعی است (صیدیگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹۰).

به طور کلی، متناسب با نیازهای جامعه، فرهنگ شکل می‌گیرد. فرهنگی که توانایی مقابله با چالش‌های جدید را داشته باشد و در صورت نیاز از فرهنگ‌های دیگر تأثیر بپذیرد و آن را به صورت بومی درآورد، فرهنگ پویاست؛ در مقابل، فرهنگی که با عدم تعادل و انسداد از درون متلاشی شود، فرهنگ ایستاست. بنابراین فرهنگ‌ها برای بقا و حیات خود نیازمند پویایی و حرمت هستند و باید بازتولید و زایش داشته باشند. اگر فرهنگی بازتولید نداشته باشد، به مرور زمان تبدیل به انسداد فرهنگی می‌شود. بنابراین تحولات فرهنگی نه تنها تهدید محسوب نمی‌شوند، بلکه طبیعت ذاتی فرهنگ است که باید به عنوان یک فرصت از آن بهره جست (صالحی امیری، ۱۳۸۹).

«فرهنگ شهری» با مقولاتی از قبیل مشارکت فرهنگی، دموکراسی فرهنگی، بازار فرهنگی، فرهنگ مردمی، کثرت‌گرایی فرهنگی، شهروندی فرهنگی همراه است و مقامات محلی (شهرداری‌ها و شوراهای) و مدیریت ملی (دولت) این فرهنگ شهری را در دستور کار خود قرار داده‌اند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱).

«شهر فرهنگی» محلی است که در آن، امکان حضور جلوه‌های فرهیختگی برای شهروندان وجود دارد؛ در واقع شهری است که در آن، مردم و فرهیختگان مشارکت فعال دارند (همان). مجموعه‌ای از هنجارها، فضاها، ارزش‌ها، نهادها، امکانات و مقررات که به زندگی در جوامع شهری تعادل و نظم می‌بخشد، فرهنگ شهرنشینی است. از این رو امروزه فرهنگ شهرنشینی بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را شکل می‌دهد که کیفیت

آن نقش مهمی در فرایند کیفیت زندگی، توسعه پایدار و شادابی و سلامت عموم مردم را دارد و همچنین تبدیل شهرنشینان به شهروندان قانون‌مدار مستلزم ایجاد و توسعه فرهنگ شهرنشینی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴).

در مباحث توسعه فرهنگی و مدیریت شهری، شهر موجودی زنده، پویا و درحال رشد تلقی می‌شود که با پیشرفت همه‌جانبه انسان‌ها و مدرن شدن زندگی بشر، نحوه معیشت و شیوه‌های زیست آن نیز درحال تغییر و دگرگون شدن است. از دیدگاه نظری، مهم‌ترین چالش فرهنگ شهرنشینی در ایران، پیشی گرفتن شهرنشینی بر شهرگرایی منطبق بر برنامه است. مفهوم شهرنشینی عبارت است از رشد کمی تعداد افراد ساکن شهر؛ درحالی‌که مفهوم شهرگرایی با تغییراتی در رسوم اخلاقی، ارزش‌ها و رفتارهای جمعی همراه است. درواقع شهرنشینی یک فرایند کمی است؛ درمقابل، شهرگرایی به همه ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی شهری اطلاق می‌شود که به‌عنوان شیوه مطلوب زندگی، دارای ویژگی‌های فرهنگی، حس همبستگی و دوستی و احساس هویت شهری است (Moein, 2007). بر این اساس، دو چالش قابل توجه در عرصه فرهنگ شهرنشینی ایران قابل مشاهده است: اول اینکه تعداد متولیان امور فرهنگی زیاد هستند و درعین حال هیچ تعامل سازمانی و برنامه‌ای باهم ندارند و به همین سبب، با وجود تلاش‌های زیاد، مشکلات جدی وجود دارد؛ مشکل دوم عدم آموزش شهروندی است. از آنجا که شهرها محل حضور افراد متفاوت، خرده‌فرهنگ‌های متفاوت است، لازم است افراد در برخی از حوزه‌های شهرنشینی، آموزش لازم را ازسوی نهادهای تأثیرگذار در امور فرهنگی، اجتماعی و آموزشی (آموزش و پرورش، صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) کسب کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴).

مسائل فرهنگی و اجتماعی در مدیریت شهری از آن جهت دارای اهمیت است که در شرایط فعلی، توجه یک‌بعدی به مسائل خدمت‌رسانی در شهرها جواب نداده است؛ بنابراین می‌توان با پرداختن به مسائل فرهنگی و اجتماعی، بازده کارها را افزایش داد. توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی در انجام وظایف دستگاه‌های خدمت‌رسان نه تنها موجب افزایش

مشارکت شهروندان می‌شود، بلکه در درازمدت، سبب کاهش هزینه‌های شهر نیز می‌شود. از طرف دیگر، مسائل فرهنگی و اجتماعی تمامی حوزه‌های شهری، از ساخت‌وساز و نظافت شهری تا ارتقای زندگی شهرنشینی را در بر می‌گیرد و چون شهروندان سرمایه‌های مهم شهری محسوب می‌شوند، نگاه همه‌جانبه به خواسته‌ها و نیازهای آنان و پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌تواند زندگی شهرنشینی را در همه زمینه‌ها ارتقا دهد.

در حال حاضر در بحث مدیریت شهری، شورای شهر و شهرداری درصدد هستند تا مسائل فرهنگی و اجتماعی را بیشتر مورد توجه قرار دهند؛ بنابراین در این راستا برنامه‌ریزی منظم برای دستگاه‌های متولی در جهت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی تعریف خواهد شد. اگر در برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، مدیریت شهری (شورا و شهرداری) در کنار سایر دستگاه‌های شهری، متولی این‌گونه مسائل قرار گیرند، می‌توان امیدوار بود که علاوه بر ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی شهروندان، آسیب‌های اجتماعی نیز کنترل و کاهش یابد. شهر تهران به علت مسائل مختلف از جمله بافت‌های متراکم تبعیض در عدالت شهری، تراکم جمعیت و نگاه‌های تک‌بعدی به بعضی از کارکردهای شهری، بستری برای افزایش آسیب‌های اجتماعی است. این آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند ضرر و آسیب‌های فراوانی به شهر و شهروندان وارد کند و این امر موجب خواهد شد تا نیرو و هزینه‌ای که باید برای افزایش سطح زندگی شهری اختصاص یابد، مختص به حل مشکلات و مسائل فرهنگی و اجتماعی که در قالب آسیب‌های اجتماعی شود. ماهیت آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای است که اگر فردی دچار این‌گونه مشکلات شود، نه تنها خود فرد بلکه خانواده و جامعه شهری را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین بی‌توجهی به حقوق شهروندی و بی‌انضباطی شهری، موجب می‌شود در طول زمان، مسائل فرهنگی و اجتماعی شهری از یکدیگر گسسته شود. در واقع توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهری می‌تواند در زنده نگه داشتن شهر کمک کند. مدیریت شهری باید توانایی این را داشته باشد که مشارکت همه دستگاه‌های متولی مسائل فرهنگی و اجتماعی را در شهر فراهم کند. بنابراین از اهداف عمده توسعه شهری، توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی دستگاه‌های متولی است

که می‌تواند موتور محرکه توسعه قرار گیرد و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی را کاهش دهد. بنابراین برنامه‌ریزی کارآمد و صحیح برای حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند موجبات رعایت حقوق شهروندان و ارتقای سطح زندگی شهری را فراهم کند (Friedmann, 1986: 69).

۹. مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی

مشارکت، فرایندی است عمومی، اجتماعی، چندفرهنگی که هدفش تشویق تمام افراد جامعه به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (طالشی و عفتی، ۱۳۸۸: ۵۲). مشارکت از نظر جامعه‌شناختی، فرایندی چندسویه و تعاملی است که طرفین آن از قدرت و نفوذ یکسان برخوردارند (آریانپور کاشانی و آریانپور کاشانی، ۱۳۷۸). مشارکت روند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جوامع ب صورت داوطلبانه و آگاهانه، و گروهی با در نظر داشتن اهداف مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، تعریف می‌شود. نهادهای مشارکتی از قبیل گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی‌اند که نمونه بارز آن شوراهای شهر است (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۱: ۱۱۸). مشارکت دارای قواعدی است که مردم باید در فرایند طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای مورد توجه قرار دهند (طالب و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸). در واقع دیدگاه مشارکت مردم مرکز است؛ بدین معنا که در مشارکت، زنان و مردان بر سرنوشت خود اثر دارند؛ در نتیجه خوداتکایی را افزایش می‌دهد و یکی از ارکان اساسی در توسعه پایدار محسوب می‌شود (دانش مهر و احمددرش، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

در یک طبقه‌بندی کلی، دو نظریه در مورد مشارکت وجود دارد: الف. نظریه‌هایی که ریشه جامعه‌شناختی دارد و از نظرات وبر نشئت می‌گیرند. طبق نظریه‌های وبری، فرض بر این است که اگر مشارکت در حکم عملی اجتماعی در نظر گرفته شود، این عمل برخاسته از وجوه فرهنگی آن جامعه است و تحت تأثیر سیستم فرهنگی جامعه قرار می‌گیرد؛ ب. نظریه‌های مشارکتی که ریشه روان‌شناختی دارند و بر جنبه‌های رفتاری تأکید می‌کنند. در این نظریه‌ها، بخش وسیعی از رفتار به‌جای اینکه حاصل گرایش‌ها و باورها باشد، نتیجه فایده و

ضرری است که رفتارها در خود دارند؛ به این معنا که مجازات‌ها و پاداش‌هایی که در مقابل انجام یک رفتار نصیب شخص می‌شود، ادامه رفتار را تعیین می‌کنند. این افراد عاقلانه رفتار می‌کنند و برای آن‌ها بسیار اهمیت دارد که نظام اجتماعی چه مقدار تنبیه و یا تشویق در مقابل رفتار آن‌ها در نظر می‌گیرد و با محاسبه هزینه فایده‌های مشارکت کردن یا مشارکت نکردن، تصمیم می‌گیرند (طاعتی، ۱۳۹۹). گنجایش مردم یک شهر برای مشارکت در اداره شهر به چند عامل بستگی دارد:

اولین عامل فرهنگ سیاسی شهر، که شامل طرح‌های پذیرفته شده مشترکی است، موضع بخش‌های عمده مردم را نسبت به موضوعات سیاسی مشخص می‌کند. فرهنگ سیاسی، محیطی روانی را به وجود می‌آورد که فعالیت‌های سیاسی در محدوده آن انجام می‌شود. فرهنگ سیاسی حاکم بر جوامع و کلان‌شهرهای جهان متفاوت است، به طوری که برخی زمینه مشارکت را به وجود می‌آورد و برخی مانع بر سر راه آن هستند. میزان اعتماد به مردم و میزان باور به اثرگذاری فرد، دو عنصر اساسی در ایجاد فضای مساعد یا نامساعد برای مشارکت هستند. عنصر اول به این باور است که مردم یک جامعه تا چه اندازه به سایر مردم اعتماد دارند و معتقدند همراه هم می‌توانند فعالیت مشترک موفق داشته باشند. عنصر دوم نیز بر این باور است که مردم تا چه اندازه باور دارند دیدگاه‌ها و اعمال فرد می‌تواند در روند امور تأثیر بگذرد.

دومین عامل، میزان فراهم بودن ضروریات مدیریت مشارکتی است. موفقیت مدیریت مشارکتی به چند عامل بستگی دارد: ساختار، جهت‌گیری و فراگرد. بدین معنا که اگر برخی ویژگی‌ها در ساختار سازمان‌دهی یک فعالیت، جهت‌گیری مدیران، کارکنان و متصدیان فعالیت و فراگردهای مربوط به آن وجود داشته باشد، احتمال کامیابی مدیریت مشارکتی افزایش می‌یابد.

۱۰. موانع و تنگناهای مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهر

در خصوص عدم موفقیت شوراها در جلب مشارکت‌های مردمی در اداره امور شهرها در نقاط مختلف کشور، متغیرهای زیادی تحت تأثیر شرایط طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی،

فنی و... نقش دارند. براساس نتایج مطالعات (شیانی و ابطحی، ۱۴۰۰: ۶۶۵) چهار عامل اصلی و هفت عامل فرعی شناسایی شدند که در جدول (۱) آمده است. شایان ذکر است که تفکیک بین عوامل دشوار است و امکان همپوشانی بین برخی عوامل اصلی و فرعی وجود دارد؛ اما در حال، آن‌ها را جزء عوامل اصلی بیان می‌کنند.

جدول ۱: عوامل اصلی و فرعی عدم مشارکت اشخاص در مدیریت شهری

عوامل اصلی	عوامل فرعی	مفاهیم
ساختار شهری	ضعف محله‌ای	موقتی بودن برنامه‌های مشارکت محلی، توجه نکردن به فعالیت‌های محلی، کم‌رنگ بودن نقش محله‌محوری
	ساختار و بافت شهری	موقعیت جغرافیایی، طبقاتی بودن ساختار شهری، شهرنشینی نامتعادل
مدیریت ناکارآمد	تضاد منفعته‌ها	تضاد منافع قدرت ملی و محلی، عدم تفکیک امر محلی از ملی، تمرکزگرایی دولت در امور شهری، تداخل وظایف و اقدامات دولت و مدیریت شهری
	چالش‌های مدیریتی شهرهای بزرگ	ناهماهنگی‌های درون شهرداری، عدم هماهنگی سازمان‌ها با یکدیگر، فقدان درآمدهای پایدار، وام‌دار شدن شوراهای
موانع سیاسی- قانونی	سیاست‌زدگی	پوپولیستی شدن مدیریت شهری، سیاسی بودن شهر تهران، سیاسی شدن مدیریت شهری، سیاسی شدن انتخابات، فقدان احزاب، سیاسی بودن شهردارها، مکانیسم انتخاب شهردار
	رویکرد منفی به مشارکت	عدم اعتقاد به مشارکت مردم، عدم استفاده از مردم در برنامه‌ریزی‌ها، نگاه بالا به پایین در مدیریت شهری، نگاه امنیتی به مشارکت مردم، تقدم منافع فردی بر مصلحت جمعی، منفعت‌طلبی فردی
سرمایه اجتماعی پایین	ضعف قانون	نقص و ابهامات قانونی مشارکت، ضعف نظام بررسی شایستگی، کثرت و تناقض در قوانین، فقدان مکانیسم نظارت بر مدیریت شهری، مشخص نبودن مأموریت مدیریت شهری
	اعتماد پایین	فساد اداری، کاهش اعتماد به برنامه‌های توسعه، احساس تبعیض
	مسئولیت‌پذیری پایین اجتماعی	کم‌اعتنایی به برنامه‌ها و اقدامات، بی‌توجهی به نظافت شهری، کاهش رفاه و کیفیت زندگی

اولین عمل ناشی از ساختار و بافت شهرهاست. شهرها که انبوهی از جمعیت را از سراسر کشور در دل خود جای داده، از تضاد و شکاف طبقاتی زیادی برخوردار است. طبیعی است افرادی که از طبقات پایین و دارای محرومیت و آسیب‌زا هستند، رشد سیاسی و

اجتماعی ندارند، مجال چندانی برای مشارکت نخواهند داشت. این امر به ویژه در مورد نقاط محروم نمود بیشتری پیدا می کند. معمولاً شهروندان در طبقات پایین جامعه به علت ناآشنایی با حقوق قانونی خود و اعتقاد نداشتن به اثرگذاری شوراها به سادگی از کنار این مسئله می گذرند و یا افرادی را انتخاب می کنند که فاقد صلاحیت و حسن نیت لازم اند.

مسئله دوم ضعیف بودن فعالیت های محله ای است، به همین دلیل است که برنامه های انجام شده در مشارکت افراد و گروه ها تأثیر چندانی نداشته و آن ها نیز ترجیح می دهند به این برنامه ها توجه ویژه نداشته باشند. علاوه بر این، به علت جابه جایی سالیانه بین محلات مختلف با توجه به اینکه افراد خود را متعلق به محله خاصی نمی دانند، هویت محله ها کم رنگ شده و این باعث می شود که مشارکت به حداقل برسد.

دومین مانع اصلی که موجب عدم مشارکت اشخاص می شود، مدیریت ناکارآمد شهری، دولتی و حکومتی است که شامل عوامل فرعی چالش های مدیریتی شهرهای بزرگ و تضاد منافع است. در واقع از نمودهای مدیریت ناکارآمد این است که در شهرهای بزرگ، هماهنگی کامل در سطوح مدیریتی و اجرایی وجود ندارد. همچنین در سطوح محلی و ملی تضاد منافع به وضوح قابل مشاهده است. این مسئله باعث چالش و ناهماهنگی بین قدرت محلی و ملی می شود. علاوه بر این، امورات ملی از محلی تفکیک نشده اند و توجه بیشتر دولت در امور شهری غالباً باعث تداخل اقدامات و وظایف دولت و مدیریت شهری می شود که نتیجه آن عدم مشارکت محلی در مدیریت شهری است.

سومین عامل اصلی عدم مشارکت، موانع و بسترهای سیاسی و قانونی موجود در کشور است. نخستین عوامل فرعی در این بخش، که مسئله اصلی عدم تمایل نهادهای متولی به این امر می باشد، رویکرد منفی به مشارکت است؛ چون با نگاه امنیتی و مدیریتی از بالا به پایین وجود دارد. بنابراین اعتقاد به مشارکت مردم پایین است و یکی از دلایل این مشکل، منفعت طلبی مدیران در سطوح بالاست که از موقعیت خود سوءاستفاده می کنند و همه منافع را برای خویش می خواهند. این مسائل باعث کم رنگ شدن مشارکت در مدیریت شهری می شود. از دیگر عوامل فرعی این است که فرایند انتخابات شورای شهر و مدیریت شهری

سیاسی است و ضعف حضور احزاب مختلف به شکل آزاد و رسمی موجب تشدید این مسئله می‌شود. همچنین بسیاری از قوانین مربوط به مدیریت شهری، به صورت واضح بیان نشده‌اند؛ در واقع قوانین و سیاست‌ها در برخی موارد باهم در تناقض هستند و وظایف را به خوبی روشن نمی‌کنند. تناقض زیاد در قوانین موجب می‌شود تا سازمان‌ها نتوانند برای مشارکت برنامه‌ریزی کنند.

چهارمین عامل از عوامل اصلی که مانع مشارکت در مدیریت شهری می‌شوند، پایین بودن سرمایه اجتماعی و کاهش مسئولیت‌پذیری و اعتماد است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، حداقل سه شکل از اعتماد وجود دارد: الف. اعتماد بین شخصی؛ ب. اعتماد تعمیم‌یافته؛ ج. اعتماد نهادی؛ که در ارتباط با مشارکت اشخاص در مدیریت شهری، اعتماد نهادی از اهمیت بیشتری برخوردار است. میزان اعتماد نهادی برحسب نوع سنجش مردم از کارکنان اداره‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلف که در زندگی روزمره خود با آن‌ها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. بر این اساس، مردم نسبت به مسئولان خوش‌بین نیستند و این بدبینی به دلیل فساد اداری و احساس تبعیض به وجود آمده است. همچنین وقتی رفاه و کیفیت زندگی افراد پایین بیاید و افراد جامعه در برآورده ساختن نیازهای اولیه خود باقی بمانند، فرصت اندیشیدن به نیازهای سطح بالاتر (مشارکت در مدیریت) را ندارند. در این صورت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به پایین‌ترین سطح رسیده و شهروندانی که احساس مسئولیت‌پذیری نداشته باشند، تمایلی به مشارکت هم ندارند.

از دیگر عواملی که تمایل به مشارکت شهروندان را تا حد زیادی در کشور ما کاهش داده، احساس بی‌قدرتی است. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که این حس بی‌قدرتی در میان اقلیت‌های مذهبی و زبانی بیشتر مشاهده می‌شود. پایین بودن میزان تحصیلات، خصوصیات سنی و جنسی اشخاص هم، از دیگر عوامل مؤثر در تقویت احساس بی‌قدرتی و در نتیجه عدم گرایش شهروندان به مشارکت محسوب می‌شود. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که از یک طرف تمایل برای مشارکت در میان زنان بیشتر از مردان است و از طرف دیگر، محدودیت در میان زنان برای شرکت در فعالیت‌های گروهی بیشتر است. سایر عوامل

مرتبط با مشارکت شهروندان عبارت‌اند از: خصوصیات اخلاقی مردم، سطح درآمد‌ها، ارزیابی افراد از هزینه و منفعت مشارکت و....

۱۱. استراتژیک و الگوهای مشارکتی

از مهم‌ترین استراتژیک‌های بالا بردن مشارکت شهروندان در اداره امورهای شهری، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و آشنا نمودن کامل مردم، مسئولین و حتی اعضای شوراهای با اهداف، تکالیف، مسئولیت‌ها و اختیارات شوراهاست. ایجاد شوراهای فرعی محلات و هیئت‌های مشاوره با مشارکت مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، معتمدین و آگاهان محلی، انجمن‌های غیردولتی مانند اصناف، اتحادیه‌ها، انجمن‌های هنری، انجمن‌های خیریه، انجمن‌های دینی، احزاب سیاسی و... که انرژی بالقوه و خلاق شهری محسوب می‌شوند و ارتباط بسیار نزدیکی با امکانات و نیازهای موجود در محل دارند، سبب کشف و تدوین استراتژیک‌ها و نوآوری‌های جدیدی در جهت حل مسائل و مشکلات شهر و در نتیجه پیشبرد سریع برنامه‌ها خواهد شد. از راهکارهای مؤثر در جهت افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، کاهش اختلالات اجتماعی است که با مشارکت در تعارض هستند. فردگرایی، خودکم‌بینی یا خودبزرگ‌بینی، احساس بی‌باوری، عدم توجه به انتظارات اجتماعی، کم‌رنگ شدن احترام متقابل اجتماعی، انزوای اجتماعی، عدم رعایت عدالت اجتماعی و توزیع نابرابر منابع (قدرت، ثروت، اطلاعات و منزلت اجتماعی) و... برخی از این اختلالات اجتماعی هستند. مدیریت مشارکتی در شهرداری‌ها از دیگر راهبردهای افزایش مشارکت در میان کارکنان، مهندسين مشاور، مشتریان و پیمانکاران در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات موجود در جامعه شهری است. از این طریق امکان استفاده از پیشنهادات، ایده‌ها، خلاقیت‌ها، ابتکارات و توان فنی و تخصصی آن‌ها در حل مسائل و مشکلات سازمان در جهت هرچه بهتر شدن فعالیت‌های سازمان امکان‌پذیر است. در این پژوهش، الگوها و مواردی که شهروندان می‌توانند در طرح‌های مشارکتی با سایر ادارات و نهادها نقش ایفا کنند، عبارت‌اند از:

۱. مشارکت شهروندان در سامان‌دهی فضاهای شهری مانند سازمان‌دهی تجهیزات شهری نظیر ترمینال‌ها، گورستان‌ها، بازیافت زباله و...، ایجاد فضاهای سبز و مراکز اجتماعی و هنری، علمی - تفریحی.
۲. مشارکت شهروندان در تأمین منابع مالی طرح‌های توسعه شهری به‌ویژه در زمینه مالیات و پرداخت عوارض.
۳. مشارکت به‌صورت محله‌محور؛ یعنی تغییر در نگرش مدیریتی در جهت تمرکززدایی قدرت و ارتقای میزان مشارکت مردم در سطح محله و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در مدیریت شهری.
۴. هنگامی که مردم در ایده‌پردازی، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها مشارکت نمایند، خود را برگزارکننده و پیشرفت‌دهنده یک طرح بدانند و حضور خود را در طرح‌ها به‌صورت پررنگ احساس کنند، این امر منجر به افزایش حس خودباوری و احساس مفید بودن برای محل سکونت می‌شود. بنابراین مردم، محله را متعلق به خود می‌دانند و در نتیجه احساس تعلق به محله، شکل‌گیری هویت محله‌ای و مسئولیت اجتماعی افزایش خواهد یافت که در نهایت منجر به ارتقای همبستگی اجتماعی می‌شود.
۵. مشارکت شهروندان در پروژه‌های آبرسانی، ساخت معابر و ساختمان‌سازی به‌ویژه برای تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد جامعه؛
۶. مشارکت شهروندان در فعالیت‌های ایمنی شهرها که موجب کاهش آسیب‌پذیری در مقابل حوادث (زلزله، سیل، آتش‌سوزی و...) می‌شود؛ از طریق آموزش‌های لازم در سطح مدارس، محلات و مراکز دولتی مانند هلال‌احمر، نیروهای بسیج و...

۱۲. بحث و نتیجه‌گیری

شهرها به‌عنوان محل تجمع انسان‌ها، محل ظهور زندگی مدنی و پیدایش شهروندی بسیار حائز اهمیت هستند. جامعه ایران هم اخیراً با پدیده پیدایش زندگی شهری روبه‌رو شده است. امروزه شهرها را می‌توان محلی برای تولید شهروند قلمداد نمود. از آنجا که زندگی کنونی شهری نیاز به قوانین ویژه دارد و هرگونه کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین موجب

ناهنجاری‌های بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... می‌شود، با در نظر گرفتن پیچیدگی بافت و ساختار شهرها، زندگی بدون قوانین و مقررات شهرنشینی در آن ممکن نیست. لذا این امر موجب ایجاد و تقویت حقوق و قوانین شهر، شهروندی و فرهنگ شهرنشینی شده است. در این میان، حقوق شهروندی برای تقویت و حمایت از تعاملات و روابط سازمان‌ها و نهادهای شهری، بیش از پنجاه سال است که نمود پیدا کرده و مبنایی برای شهروند و مدیریت شهری شده است. بنابراین مدیریت شهری قادر است با آموزش حقوق و قوانین شهروندی، اتخاذ رویکرد شهروندمداری، اصلاح نظام اداری و رعایت نمودن حقوق شهروندی، ایجاد فضای گفت‌وگو میان مدیران شهری و شهروندان، عدم تبعیض میان شهروندان و... نقش آفرینی کند. علاوه بر این، جایگاه مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، جایگاه انکارناپذیری است به صورتی که موفقیت یک طرح تا حد زیادی وابسته به نقش مردم و نوع دخالت آن‌ها در برنامه‌هاست. لذا تعیین اولویت برنامه‌های شهری، خواست‌ها و نیازها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و... وابسته به مشارکت مردم است. در حال حاضر در ایران، شهروندان تنها از طریق شوراهای، در امورات مدیریت شهری مشارکت دارند؛ اما هیچ‌گونه مشارکتی در روند تهیه، اجرای طرح‌های شهرداری و مدیریت شهری وجود ندارد. نتایج این پژوهش نشان داد یکی از علل مشارکت نکردن مردم در مدیریت شهری، شکاف طبقاتی گسترده و موقعیت جغرافیایی آن‌ها در کنار مشکلات محله‌محوری، مستمر نبودن برنامه‌ریزی‌های مشارکتی محله‌محور و فردگرایی است. موانع قانونی و سیاسی، عامل دیگر در زمینه موانع مشارکت مردمی در مدیریت شهری است که موجب شده مشارکت به امری حاشیه‌ای تبدیل شود. لذا نیازمند تدوین سیاست‌هایی نوین است که متناسب با وضعیت روز باشد، تا بستری مناسب برای مشارکت در سطح انجمنی، حزبی و مردمی را فراهم نماید. یافته دیگر این تحقیق به ناکارآمدی مدیریت شهری اشاره دارد که عملاً مانعی اساسی برای مشارکت مردم و احزاب و انجمن‌ها در مدیریت شهری است. مسائلی از قبیل ناهماهنگی سازمان‌ها با یکدیگر، هماهنگ نبودن واحدهای درون شهرداری، تضاد منافع قدرت محلی و ملی، درآمدهای پایدار، تمرکزگرایی دولت در امور

شهری، عدم تفکیک امر محلی از ملی، تداخل اقدامات و وظایف مدیریت و شهری دولت، تعداد سازمان‌ها و نهادهایی را که در اداره امور شهر دخالت دارند و ناهماهنگی آن‌ها با یکدیگر و همچنین محدود بودن وظایف نهادهای مدیریت شهری و عدم تفکیک مدیریت تخصصی از رهبری سیاسی است. لذا ضرورت دارد بازبینی اساسی در زمینه مدیریت شهری و سازمان‌های وابسته انجام شود تا با برنامه راهبردی نوین، به مقوله مدیریت شهری و مشارکت وسیع مردم پرداخته شود. همچنین وضعیت سرمایه اجتماعی یکی دیگر از موانع مشارکت مردمی در مدیریت شهری است. اخیراً در محافل علمی، سرمایه اجتماعی به عنوان عامل مهمی که نقش و چگونگی تأثیرگذاری آن بر مشارکت و احیاناً به فعل درآوردن نیروی بالقوه، بسیار مورد توجه واقع شده است و شناخت سرمایه اجتماعی به منظور مشارکت فعال و نهایتاً کمک به توسعه و بسط دموکراسی، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، سرمایه اجتماعی ظرفیت فعالیت اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد. اما به نظر می‌رسد در ایران، سرمایه اجتماعی آن‌چنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ارائه ندادن خدمات اولیه در محله توسط سازمان‌ها و نهادها و دل‌سردی شهروندان، فاصله زیاد بین حرف و عمل، چه در بین مسئولان و چه در بین شهروندان، و تحقق نیافتن پروژه‌ها و طرح‌های مصوب، از جمله عواملی هستند که اعتماد و در راستای آن سرمایه اجتماعی را پایین آورده و زمینه را برای عدم مشارکت اشخاص فراهم کرده است. به طور کلی، یکی از علل عمده مشارکت نکردن مردم را پایین بودن سرمایه اجتماعی می‌توان دانست و تلاش برای بهبود و افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه را برای مشارکت بیشتر فراهم کند. در نهایت، می‌توان گفت که موانع مشارکت (در سطوح ملی و محلی) ذاتی نیست بلکه عرضی است؛ به این معنا که در صورت فراهم بودن بسترهای مشارکت از قبیل افزایش ضریب نفوذ رسانه‌ها و سطح تحصیلات شهرنشینان و... می‌توان شاهد حضور فعال شهروندان در مدیریت شهری بود. در نهایت و براساس نتایج پژوهش می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر را برای افزایش مشارکت ارائه داد:

۱. تقویت جایگاه قانونی شوراهای، دبیر شوراهای در شورای مدیران شهرداری نواحی منطقه‌ای؛
۲. بازمبانی و به‌روزرسانی قوانین حوزه شهری با پیش‌فرض مشارکت مردمی در مدیریت شهری؛
۳. الزام شهرداری نواحی و مناطق به اعلام هزینه‌ها به ساکنان محدوده خود از طریق سایت رسمی شهرداری‌ها؛
۴. تشریح مکانیسم قانونی تعاملات اصناف، اشخاص حقوقی، اتحادیه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات فعال مرتبط با حوزه شهری (اجتماعی، فرهنگی، شهرسازی، عمرانی و...) با سازمان شورای شهر؛
۵. مطالعه مدیریت شهری درخصوص تعیین راه‌های ایجاد ضمانت اجرایی جهت به ثمر نشستن طرح‌های محله‌محور و مشارکت مردمی و تبدیل حوزه نظری به حوزه‌های عملی توسط پژوهشگران و متولیان مدیریت شهری؛
۶. آمارهای قابل استنادی مانند ارزیابی میزان مشارکت‌های مردمی در پروژه‌های محلی و ارزیابی میزان نفوذ سرای محله‌ای در محلات تهیه گردد تا امکان سنجش دقیق و صحیحی از میزان مشارکت مردم فراهم شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله از فعالیت در شرکت بهره‌برداری نمایشگاه‌های بین‌المللی شهر آفتاب استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از مدیرعامل محترم این شرکت و کارکنان شرکت شهر آفتاب در انجام این تحقیق، ابراز نمایند.

منابع

- اوکلی، مارسون، و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۱). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی* (م. محمدنژاد، مترجم). تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی.
- آریانپور کاشانی، عباس، و آریانپور کاشانی، منوچهر. (۱۳۷۸). *فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی*. تهران: انتشارات سپهر.

- پرهیزکار، اکبر، فیروزبخت، علی. (۱۳۹۰). چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری. *مجله جغرافیای سرزمین*، ۸ (۳۲)، ۴۳-۶۶.
- تقوایی، مسعود، نادری، بهنام، و دهقانی، یداله. (۱۳۸۵). تحلیل بر برنامه‌ریزی استراتژی توسعه شهری. *نشریه انجمن راه و ساختمان ایران بنا*، ۳۰ (۲۹)، ۲۹-۳۰.
- جهانشاهی، هاجر، و وارثی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک فضای شهری با رویکرد توسعه پایدار شهری؛ نمونه موردی: بندر بوشهر. *فصلنامه علمی پژوهشی آمایش محیط*، ۱۴ (۵۵)، ۱۰۱-۱۳۳.
- حبیبی، سید محسن، و سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران. *نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴*، ۱۵-۲۴.
- دانش مهر، حسین، و احمدرش، رشید. (۱۳۸۸). بررسی نگرش‌های اجتماعی روستاییان نسبت به مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: روستای دشه از توابع شهرستان پاره). *مجله توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)*، ۱ (۳۶)، ۱۲۹-۱۵۵.
- گزارش دبیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل. (۱۳۷۳). ۸۵.
- رضازاده، مرضیه. (۱۳۸۴). عوامل اجتماعی و تحول فرم فضای شهری. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی شهرسازی و معماری.
- ژند، مهرداد. (۱۳۹۶). شهر چیست؟. تهران: انتشارات پایدار.
- سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی برای سامان‌دهی فضایی قلعه آبکوه مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- سعیدینیا، احمد. (۱۳۹۲). مدیریت شهری. کتاب سبز راهنمای شهرداری‌های تهران. جلد ۵۹. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- شبیعه، اسماعیل. (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۲ (۱)، ۳۷-۶۲.
- شیانی، ملیحه، و ابطحی، سید احمد. (۱۴۰۰). شناسایی موانع مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در مدیریت شهری تهران، یک تحلیل محتوای کیفی. *مجله توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۲ (۲)، ۶۴۳-۶۶۵.
- صراف، مظفر، و عبداللهی، مجید. (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۳، ۱۱۵-۱۳۴.
- صالحی امیری، سید رضا، و سپیده، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و تعیین آسیب‌های روابط شورای اسلامی شهر و شهرداری. *مطالعات مدیریت شهری*، ۲ (۲)، ۲۱-۴۱.
- صیدبیگی، صادق، سرور، رحیم، و فرجی‌راد، عبدالرضا. (۱۳۹۷). نقش مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی، مطالعه موردی شهر ایلام. *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۰ (۳)، ۲۸۹-۳۰۴.

ضرابی، اصغر، و جمالی نژاد، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی نقش مدیریت هماهنگی شهری در تحقق بخشی از میزان امنیت اجتماعی (مورد پژوهشی: استان اصفهان). *مجله مدیریت شهری و روستایی*، شماره ۲۶، ۲۴۰-۲۲۵.

طاعتی، آزاده. (۱۳۹۹). شوراها محلی در ایران و چند کشور دنیا. گزارش ۲۰۱ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.

طالب، مهدی، میرزایی، حسین، و نادری، عفوآت. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح های تجمیع مناطق روستایی). *مجله توسعه محلی (روستایی - شهری)*. ۱ (۴)، ۱۸۱.

طالشی، مصطفی، و عفتی، محمد. (۱۳۸۸). برنامه ریزی مشارکتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. فرجامی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ابعاد هویت شهری. *مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران*. جلد اول: ساخت کالبد شهری. شیراز: دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان شناسی شهری*. تهران: انتشارات نی.

کامیار، غلامرضا. (۱۴۰۱). حقوق شهری و شهرسازی. چ ۱۵. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد. کاظمیان، غلامرضا، و میرعابدینی، سید زهره. (۱۳۹۰). آسیب شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست گذاری و تصمیم گیری شهری. *مجله هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، ۳ (۴۶)، ۳۸-۲۷. لطیفی، غلامرضا، و منجزی، فاطمه. (۱۳۹۶). مدیریت بحران در بافت های فرسوده در توسعه پایدار شهری، تهران: انتشارات آثار فکر.

لطیفی، حیدر، عدالت خواه، فرداد، میرزایی، مینو، و وزیرپور، شب بو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. *فصلنامه جغرافیایی انسانی*، ۲ (۱)، ۱۰۱-۱۱۰.

مهدی زاده، جواد. (۱۳۸۲). شهر و تاریخ: نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی فضایی شهر تهران (بخش دوم نوسازی و پیدایش ما در شهر تهران). *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، شماره ۳، ۱۶-۲۶. مهدی زاده، جواد. (۱۳۸۶). جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری. *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، شماره ۱۲، ۱۴-۲۵.

نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۸۱). *برنامه ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالش های تجربی*. سازمان شهرداری های کشور.

Marshal, G. (1998). *Dictionary of Sociology*. Oxford: Oxford University Press.

Moein, M. (2007). *Dean Persian Language*. Tehran: Farhangnam Publication and Arid Book.

Friedmann, J. (1986). The world city hypotheses'. *Development and Change*, 17, 69-83.

http://gt-rti.iust.ac.ir/page_arch, 2009.

<http://www.hoghooghhdanan.com>

The Impact of Citizenship Rights on Improving Urban Life and People's Participation

Sahar Barazmand,^{1*} Abas taghadosi neghad²

Received: 15/7/2023

Accepted: 18/12/2023

Abstract

Today, the issue of urban management in the world has undergone a fundamental change. In order for cities to provide the welfare and comfort of their citizens, they must be managed. In this regard, urban laws and regulations are considered as one of the main components of the relationship between urban management and citizen rights. The present research was conducted by revisiting previous plans and studies in order to focus on the rights of citizens by paying attention to cultural issues and to the causes of people's non-participation in the administration of city affairs. The data in this research was collected through library studies, reading and reviewing the documents of the implemented plans, and reviewing articles in this regard. According to this research, urban and citizenship rights are very efficient and effective if they comply with the principle of benefiting from citizenship rights. Citizenship rights are a set of duties that citizens have towards each other, their government, and their city. They generally include the rights that the government and administrators also have. The city is required to comply with it. According to the results of this research, such an approach still has been less addressed in the set of general rules and regulations of urban management such as citizen participation. Although the issue of participation in urban management increases citizens' understanding of their needs and helps create a better society, the results showed that the participation of legal entities (associations, guilds, etc.) and real entities (citizens) in Iran are facing many historical, cultural, social, and administrative obstacles. Based on this research, political-legal obstacles, urban context, and metropolitan management challenges are the main factors of non-participation. Currently, due to various issues including an increase in citizens' levels of education, the rise of media effect, people can witness the active presence of the city residents in the city management if the platforms for participation are provided for all sections of society.

Keywords: urban management, citizenship rights, citizen participation, urban culture.

1. Corresponding author; PhD graduate, Forestry Department, Lorestan University, Khorram Abad, Lorestan, Iran; barazmand.sahar@gmail.com

2. PhD student, Department of Public Administration Humanities, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran; taghaddosi1400@gmail.com